

# نامه سرکشاده آیت الله رستگاری به خامنه ای در زندان اوین



برگرفته از سایت آیت الله رستگاری

وبلاگ قلم معترض ( [www.kickerpen.blogfa.com](http://www.kickerpen.blogfa.com) )

نامه سرگشاده تقدیر و تشکر به آقای خامنه‌ای از حکم بغیر ما انزل الله و بر خلاف مقررات بین المللی و ضد انسانی به جرم بیان حقایق دین مبین اسلام، پس از نهمصد و پنجاه روز از زمان دستگیری و حبس در سخت‌ترین شرایط و شکنجه مداوم روحی و هتاکی در بازداشتگاه موقت زندان اوین تهران، و آشکار ساختن ماهیت درونی خود برای همگان.

بسم الله قاصم الجبارین

قال الله العزيز النهار: «و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون - و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون - و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون». (سوره مائده ۴۴-۴۵ و ۴۷).  
و قال: «إن الحكم إلا لله يقص الحقّ و هو خير الفاصلين». (سوره انعام آیه ۷۵).  
و قال حکایة عن شعيب رضی اللہ عنہ: «وسع ربنا كل شيء علماً على الله توكلنا ربنا افتح بيننا و بين قومنا بالحق و انت خير الفاتحين». (سوره اعراف، آیه ۸۹).

اما بعد:

لازم دیدم نامه‌ای سرگشاده بیادگار ماندنی و سند تاریخی که بیانگر اجمالی ماهیت درونی و عملکرد بیرونی رژیم شماسست به عنوان تقدیر و تشکر در پی فرمان مکرر به آقای علی رازینی، رئیس دادگاه (کابوس وحشت - بیدادگاه) ویژه روحانیت بر اشد مجازات بر من به جرم (طبق گفته آقای اکبری بازپرس ارشد وزارت اطلاعات قم در دومین روز دستگیری من: بیان حقایق دین و نفوذ کلام در افکار جامعه بر اثر عدم وابستگی شما به رژیم که در نامه سرگشاده از زندان اوین به سردمداران رژیم در تاریخ (۱۳۸۵/۹/۱۴) بیان گردیده است برای شما بنگارم و مراتب تقدیر و تشکر خود را به خدمت آنجناب ابراز دارم.  
که آقای رازینی طبق فرمان اکید و شدید آن جناب، پس از هفتصد و هفتاد و شش روز از دستگیری و حبس در بازداشتگاه موقت بند ویژه روحانیت زندان اوین تهران در سخت‌ترین شرایط و شکنجه بی‌وقفه روحی و اخیراً جسمی، و منع از ارتباط تلفنی حتی با افراد خانواده بمدت (۵۹۰) روز، صبح شنبه (۱۳۸۵/۳/۲۰ = سیزدهم جمادی الاولی ۱۴۲۷ هـ ق) مصادف با روز شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها افضل صلوات الله مرا از چنین بازداشتگاه شما به وسیله مأموران خشن و هتاک از باب «الناس علی دین ملوکهم» با نهایت اهانت و دستبند و بدون لباس روحانی و با دمهایی بدون جوراب، برای بیعت اجباری با آنجناب (همچون بردن مولایم حضرت امیر مؤمنان امام علی رضی اللہ عنہ) را با ریسمان برگردن به

مسجد، جهت بیعت اجباری با خلیفه غاصب به چنین دادگاهی نزد حاکم منصوب شما برده‌اند که مجموع مدت دادگاه (بیدادگاه) دقیقاً کمتر از پنج دقیقه پایان و به اجبار با دستور ایشان بوسیله مأموران چنین دادگاهی رانده شدم.<sup>۱۱</sup>

به مجرد ورود اجباری من به چنین دادگاهی آقای علی رازینی گفت: «شما تعهد بدهید که طبق خواسته‌های ما عمل کنید».

گفتم: «بنده یک تعهد الهی به خداوند یکتا دادم که به حول و قوه و توفیق او جل و علا طبق فرامینش عمل نمایم که فرمود: «وَ إِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ» (سوره آل عمران، آیه ۱۸۷) و نمی‌خواهم از عهد شکنانش باشم تا گرفتار عذاب ابدی خداوند متعال و مورد لعن و نفرین خداوند قهار و همه لعن کنندگان قرار گیرم که فرمود: «فَتَبَذَوْهُ وراءَ ظهورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَسَ مَآشِرَتُهُمْ لَا يُحْسِنُ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُوتُوا وَ يَحِبُّونَ أَنْ يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبْنَهُمْ بِمَفَازَةِ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (سوره آل عمران، آیه ۱۸۷-۱۸۸).

و فرمود: «أَنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۵۹) و تعهد دیگری ندارم.

آقای رازینی گفت: شما بر خلاف گفته خدا: «لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْمُجْرِمِينَ» (سوره نساء، آیه ۱۴۸) به علماء اهانت کرده‌اید.

گفتم: چرا تمام آیه کریمه را نمی‌خوانید که فرمود: «أَلَا مِنْ ظَلِيمٍ» شما بر بنده اشکال دارید؟ یا بر خداوند دانا؟ آیا شما نمرود را ابراهیم و فرعون را موسی می‌خوانید؟ و بنا بر فرض شما بنده علمای راستین را اهانت کرده باشم مگر نه اینست که می‌گویید: این اسلام شما که (۲۷) سال است به مردم عرضه کرده‌اید، اسلام ناب محمدی، و این نظام شما که می‌خواهید بر گستره زمین صادر کنید، حکومت عدل علوی است، رسول خدا ﷺ در دهسال حکومت خود، چه کسی را به مجرد اهانت به آن حضرت ﷺ حبس و شکنجه و از زندگی ساقط کرده است؟ و یا امیر مؤمنان امام علی ﷺ در پنجسال حکومتش یک نفر سرسخت‌ترین مخالف و دشمن و اهانت‌گرس را زندانی کرده است و او و افراد خانواده و بستگانش را از کمترین حقوق انسانی محروم کرده است که شما در این مدت (۲۷) نسبت به مخالفان کرده‌اید؟<sup>۱۲</sup>

آیا شما بر بنده ناچیز خداوند قادر متعال اشکال دارید؟ یا بر خداوند سبحان که در قرآن کریمش علمای دینی را به دو گروه متضاد تقسیم فرمود: گروهی از علمای دین خواه که در دفاع از آن، خود را فدای دین می‌کنند که برترین مقام پس از مقامات امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین و تالی تلو عصمت همچون حضرت ابوالفضل علیه السلام را دارا هستند که درباره این دسته از علمای دینی فرمود: «أئمة یحشی الله من عباده العلماء». (سوره فاطر، آیه ۲۸).

و گروهی از علمای هواپرست، دنیاطلب و دین فروش که از آنها به سگ (هار) و حمار تعبیر فرمود: «و اتسح هواه فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث». (سوره اعراف، آیه ۱۷۶) و «کمثل الحمار یحمل أسفاراً». (سوره جمعه، آیه ۵).

خداوند قهار این دسته از علمای دینی را ظالم و اضلالگر و گمراه کننده و افراد و جوامع بشری معرفی و لعن فرموده است: «ألا لعنة علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً». (سوره هود، آیه ۱۷-۱۸). آیا بجرم دفاع از کیان اسلام و بیان حقایق دین و اعانت به مظلومان و خصم بر ظالمان در این (۲۷) سال پس از پیروزی انقلاب نکبت بار شما تاکنون، مرا چهار بار، دستگیر و نزدیک به (۹) سال حبس در سخت‌ترین شرایط در سلول‌های مخوف انفرادی و شکنجه، و حتی دوبار دستور قتل من، با تطمیع و وعده تخفیف مجازات به افراد قاتل و اشرار در زندان و دستگیری و حبس فرزندان و بعضی از بستگانم بدون کمترین جرم «إلا بغضاً لی» و حمله وحشیانه مأموران زن و مرد وزارت اطلاعات به منزل و دفتر و کتابخانه در تاریکی آخر شب، و غارت نوشته‌های حدود نیم قرن با زحمات طاقت فرسای من، و غارت اموال و کتاب‌ها و اجناس شخصی و... که در نامه سرگشاده از زندان اوین به سردمداران رژیم اجماً درج شده بر من ظلم نشده است؟

شما بدترین ظلم تاریخ بشریت را بنام دین مرتکب می‌شوید، و زشت‌تر از آن، تحمل کوچکترین صدا و کمترین نفس کشیدن مظلوم را ندارید؟ شما با شاخه درخت اسلام، دسته تیشه درست کرده و بنام اسلام به ریشه‌اش می‌زنید، و فریاد عدالت می‌زنید، و می‌خواهید با تمام نیروی سواره و پیاده‌تان چنین عدالتی را در گستره زمین صادر نمایید؟!

آقای شیخ علی رازینی! یقیناً تا چهل سال دیگر، من و شما زنده نخواهیم بود، روز قیامتی هست که حاکم بین ما خداوند یکتاست.

در این هنگام آقای رازینی بدون پاسخ به پرسشها زنگ زده و مأمور انتظامی به سرعت وارد دادگاه (بیدادگاه) شد، رازینی به مأمور گفت: ایشان (خطاب به من) را ببر!

پس از توقف کوتاه در بیرون دادگاه، چهار نفر از مأموران خشن دادگاه (بیدادگاه) ویژه روحانیت مرا با هتاک و اهانت و هل دادن، به پای ماشین، و با مأمور انتظامی و دستبند به بازداشتگاه موقت بند ویژه روحانیت برگرداندند.

و دومین بار، در تاریخ (۱۳۸۵/۴/۱۱) با دستبند و بدون لباس روحانی و اجبار و اهانت به دادگاه (بیدادگاه) ویژه روحانیت، جهت ابلاغ حکم بغیر ما انزل الله و ضد انسانی و برخلاف مقررات بین‌المللی بردند که موضوع جرم را طبق معمول رژیم از پیروزی ننگین انقلاب تاکنون، متهم ساختن بزرگترین مراجع تقلید و آیات عظام و علمای راستین دین مبین اسلام و اندیشمندان آزاده و... به اتهامات دروغین «اقدام علیه امنیت ملی، و اهانت به علما و نشر اکاذیب و...» عنوان، و حکم خواسته‌های شیطانی یکسال حبس به اضافه (۷۹۸) روز بازداشت موقت که مجموع حبس را (۳) سال و دو ماه بر شمردند به من ابلاغ نمودند، که شفاهاً اتهامات دروغین و حکم متناسب آن را بشدت تکذیب کردم، ولی آقای قاسم ورزدار، ابلاغ‌کننده حکم، مانع از نوشتن تکذیب در داد (بیداد) نامه شد که پس از نوشتن آیه (۱۸۷) از سوره آل عمران داد (بیداد) نامه را از دستم گرفت.

و پس از (۳) ماه از ابلاغ چنین حکمی حدود ساعت (۱۱) صبح یکشنبه (۱۳۸۵/۷/۱۶) آقای شیخ جعفر قدیانی دادستان دادگاه (بیدادگاه) ویژه روحانیت تهران با ده نفر از همراهانش وارد اطاق (۲) بازداشتگاه موقت بند ویژه زندان اوین شدند که من در آن محبوس بودم، پس از نشستن همگی در اطاق کوچک (مکاناً ضیقاً) آقای قدیانی خطاب به همراهانش کرد و گفت: من مسئول پرونده آقای رستگار نیستم، ایشان را که متهم به وهابیت است از دادگاه ویژه قم به تهران فرستادند، و در تهران، حکم (بدون ذکر مدت آن) به او داده شد، و ما شما را به قم برمی‌گردانیم.

مهران یوسفیان، رئیس واحد تحقیقات و عملیات دادسرای ویژه روحانیت تهران که در میان همراهان، و در نزدیکی چند جلد از کتاب تفسیر کبیر البصائر که در اطاق (۲) نشسته بود خطاب کردم: جلد (۴۴) را بدهید، وقتی گرفتم، این جلد (۴۴) در سال (۱۳۵۸) چاپ و منتشر شد، و صفحه (۴۸۰) آن را تحت عنوان: «الفرقة الوهابية» خوانده و معنی کردم، و خطاب به آقای قدیانی و همراهانش کردم و گفتم: «آیا نویسنده این کتاب وهابی است؟» آقای قدیانی و همراهانش سر بزرگ از اطاق خارج شدند.

براستی! تاریخ، همیشه تکرار می‌شود، پیامبر الهی و جانشینان بحق، و رهروان راستین آنها که برای ایجاد وحدت میان امتهای با فراخوانی همه را بیک راه الهی و پرهیز از راههای گوناگون «و إن هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم وصاکم به لعلکم تتقون». (سوره انعام، آیه ۱۵۳). و جهت رشد استعدادها و بینش و آگاهی افراد، و اصلاح جوامع بشری قیام کردند، زمامداران فرومایه و فرمانروایان خودکامه همچون فرعونهای زمان، آنها را به ایجاد اختلاف میان امتهای، و افسادگر جامعه معرفی می‌کردند: «إني أخاف أن يبذل دينكم أو أن يظهر في الأرض الفساد». (سوره غافر، آیه ۲۶).

و خود را که مبدأ فتنه و فساد و اختلاف بین افراد و جامعه بودند از یکسو هدایتگر جامعه معرفی می‌نمودند، و مردم را علیه آنان تحریک می‌کردند و از سوی دیگر رسولان الهی و جانشینان بحق و رهروان راستین آنها را به کفر و بت‌پرستی و شهوت و شکم و شهرت و همسویی به جنایات خود فرا می‌خواندند، و در صورت تخلف از خواسته‌های شیطانی آنها، آنان را به زندان و قتل و تبعید و آتش زدن و محرومیت از حیات انسانی و سنگسار و... تهدید می‌کردند: «قال لئن اتخذت إلهاً غيري لاجعلنك من المسجونين - قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن من المرجومين». (سوره شعراء ۲۹-۱۱۶). «و قال الذين كفروا لرسولهم لئخرجنكم من أرضنا أو لنعودن في ملتنا فأوحى إليهم ربهم لنهلكن الظالمين». (سوره ابراهيم، آیه ۱۳). «لئن لم تنتهوا لارجنكم و ليمسكنكم منّا عذاب أليم». (سوره يس، آیه ۱۸).

آری: پرچمدار آزادی و آزادگی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام که برای اصلاح دین جدش ص قیام نمود به اتهام خروج از دین جدش محکوم به قتل شد.

بنده که در جلد اول تفسیر کبیر البصائر، ص ۱۹۷-۱۹۸ که در اواخر سال (۵۶) چاپ و قبل از پیروزی انقلاب نکبت‌بار، انتشار یافت، و در جلد (۶۰) ص ۱۰۳۸ همین تفسیر که در سال (۱۳۷۱) چاپ و منتشر شد، و در تمام کتابهای فارسی و عربی خود، همه ادیان، مذاهب و ملت‌های مختلف جهان را به خداوند یکتا و رسول خاتمش محمد مصطفی و اهل بیت معصومینش صلوات الله علیهم اجمعین و به آخرین کتاب آسمانی (قرآن مجید) و وحدت و اخوت ایمانی، و طبق قرآن مجید بیک راه حق الهی: «و أن هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه» دعوت و از تفرقه و اختلاف بر حذر داشتیم: «و لا تتبعوا السبل...». (سوره انعام، آیه ۱۵۳).

آقای خامنه‌ای گفت: ما ادله فراوانی داریم که ایشان (رستگار) پول از دشمنان و بیگانگان می‌گیرد، و کتاب تفرقه و اختلاف انداز چاپ می‌کند، ولی نه تنها تاکنون (با در اختیار داشتن هزاران نامه از داخل و خارج و

کنترل و شنود تلفن و دیگر اطلاعات عمومی و خصوصی از طریق جواسیس) کمترین دلیلی را برای اثبات مدعای دروغین خود ارائه نکرده است، بلکه آقای محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات کنونی پس از گذشت (۲) سال از دستگیری و حبس در زندان، در مصاحبه اختصاصی‌اش که بعد از ساعت (۱۱) شب یکشنبه (۱۳۸۴/۱۱/۳۰).

از صدا و سیما پخش شد، در پاسخ به سوال خبرنگار از خود و پیش تنظیم شده گفت: ما هیچ دلیلی بر ارتباط ایشان (رستگار) با هیچ حزب و گروهی چه در داخل و چه در خارج نداریم.

آری! اگر العیاذ بالله تعالی سرور آزادگان حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام بجرم قیامش جهت اصلاح دین مبین اسلام از دین جدش خارج و محکوم به قتل شده درست باشد، نویسنده تفسیر کبیر البصائر نیز بجرم بیان حقایق دین مبین اسلام و مبارزه با بازیگران دین، و دفاع از کیان ولایت خاندان رسالت صلوات الله علیهم اجمعین و خصم بر بیدادگران، خارج از دین، و سزاوار قتل خواهد بود.

پس از حدود چهل روز دیگر، ساعت (۸) صبح چهارشنبه (۱۳۸۵/۸/۲۴) رئیس بند ویژه روحانیت، و روستا، مأمور دادگاه ویژه به اطاق (۲) بازداشتگاه موقت که من در آن حبس بودم آمدند، و با کشیدن عیابم، مرا به اجبار به دادگاه (بیدادگاه - کابوس وحشت) ویژه بردند، و پس از حدود (۲) ساعت توقف تحقیر و اهانت‌آمیز در سالن دادگاه حدود ساعت (۱۱) نزد آقای قدیانی، دادستان ویژه بردند که سخایی، مجری احکام دادگاه ویژه حضور داشت، آقای قدیانی، فتوکی دادنامه‌ای که آقای قاسم ورزدار، ابلاغ کننده حکم دادگاه ویژه، در تاریخ (۱۳۸۵/۴/۱۱) حکمش را به من ابلاغ کرده بود، به من داد و گفت: من از طرف دادگاه ویژه قم به عنوان نیابت، این حکم را به شما ابلاغ می‌کنم و محکومیت شما (۴) سال و (۳) ماه حبس در زندان است و دادنامه را به من داد وقتی دو سطر اول آن را نگاه کردم، گفتم: این فتوکی همان دادنامه‌ای است که آقای ورزدار، بیش از چهار ماه قبل در تاریخ (۱۳۸۵/۴/۱۱) به من ابلاغ کرده، و من با نوشتن آیه (۱۸۷) از سوره مبارکه آل عمران خواستم تهمتهای دروغین، و حکم متناسب آن را تکذیب و دفاع کنم، که ورزدار آن را از دست من گرفت، و در این دادنامه، محکومیت (۳) سال و دوماه حبس بود، و خواستم آن را نشان دهم که قدیانی دادنامه (بی‌دادنامه) را از دستم گرفت، و حتی اجازه خواندن آن را به من نداد.

سخایی گفت: من مجری احکام دادگاه ویژه هستم و حکم چهار سال و (۳) ماه را اجرا می‌کنم، و اگر قتل و اعدام هم باشد، اجرا خواهم کرد.

گفتم: اولاً: اتهامات دروغین و حکم بغیر ما انزل الله این دادنامه، همان اتهام «خرج الحسین عن دین جدّه» و حکم به قتل آن حضرت علیه السلام توسط شریح قاضی، سرسپرده یزید بن معاویه لعنة الله علیهم است که خداوند قهار حکم حاکم و قاضی (و بالتبع حکم ابلاغ کننده و مجری) آن را با صراحت در قرآن مبین که همان کفر و ظلم و فسق است بیان فرمودند: «و من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الکافرون». (سوره مانده: آیه ۴۴-۴۵ و ۴۷).

و ثانیاً: آیا شما ماهی را از آب می ترسانید؟ حیات من به شهادت در راه خداوند یکتا گره خورده است، که نه تنها وحشت و ترسبی از آن ندارم «و من یعمل من الصالحات و هو مؤمن فلا یخاف ظلماً و لا هضماً» (سوره طه: آیه ۱۱۲).

بلکه شهادت، یک عهد و پیمان بنده با خداوند منان و آرزوی دیرینه و برای نیل به آن، روز شماری می کنم: «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم - و بشر المؤمنین» (سوره توبه: آیه ۱۱۱-۱۱۲).

و ثالثاً: بطوری که از عشق و شور و هیجان شما در اجرای احکام بغیر ما انزل الله معلوم است، اگر بتو بگویند: یک سر حضرت امام حسین علیه السلام را بیاور! تو سر آن حضرت علیه السلام و دهها سر شیعیان راستین آن حضرت علیه السلام را خواهی آورد.

و آنگاه خطاب به آقای فدایی گفتم: شماها با پیروزی انقلاب نکبت بار، سخت خود را باخته اید! آقای خمینی که از سال (۴۱) تا پیش از پیروزی انقلاب، می گفت: من دستهای مراجع تقلید، علما، فضلا، طلاب و بازارها را می بوسم، و اگر کسی به من اهانت یا فحاشی کند، کسی حق ندارد بر آن اعتراض نماید، آیا این بود بوسیدن دستها که پس از پیروزی به گونه های مختلف، همه را قطع کرد. و حاضر نبود و نیستید کسی بگوید: خال بالای ابرویتان سیاه یا سفید است، و اگر بزرگترین مرجع تقلید و شخصیت علمی و تقوا و ایمان و... می گفت یا بگوید باید نابود گردد. حکومت و ریاست سعه صدر می خواهد که متأسفانه، حداقل آن هم در شما نیست، از این رو هیچکس حتی خداوند سبحان هم برای شما قابل تحمل نیست زیرا بارها گفته اید: «ولی فقیه می تواند توحید را تعطیل و هر حلالی را حرام، و حرامی را حلال کند، و حضرت ولی عصر علیه السلام هم باید فدای جمهوری اسلامی شود».

چنانچه فرعون مستبد مطلق به حضرت موسی علیه السلام گفت: «و لئن اتخذت إلهاً غیرى لأجعلنک من المسجونین» (سوره شعراء آیه: ۲۹).

فرعون این ادعای ولایت مطلقه حتی بر موسی کلیم الله را پس از ولادت از مادرش، و یا پیش از رسیدن به ریاست و فرمروایی نگفت، بلکه پس از رسیدن به زمامداری گفت.

حضرت مولای متقیان امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در نامه‌اش به قثم بن عباس، فرمانروای مکه از طرف آن حضرت علیه السلام نوشت: «و لاتکن عند النعماء بطراً و لا عند البأساء فشلاً». (نهج البلاغه: رقم نامه: ۳۳)

گر به دولت برسی مست نگردي مردی      گر به ذلت برسی سست نگردي مردی

آقای قدیانی! از اول این چهارمین بار از دستگیری و حبس تاکنون که نهصد و سی و یک روز از آن می‌گذرد، اتهامات دروغین گوناگون و ضد و نقیضی (که دأب این رژیم شما نسبت به مخالفان و منتقدان شما از نخست تا کنون بوده و تا پایانش خواهد بود) را مطرح کرده‌اید، و هم اکنون (۳) بار در مدت کوتاه کمتر از (۵) ماه حکمهای مختلفی را عنوان و ابلاغ می‌کنید، و آن چنان سر در گمید که خود نمی‌دانید چه می‌کنید. و باید هم چنین باشد! آقای قدیانی! من یک دعای قرآنی می‌کنم، اگر خواستید آمین بگویید «رَبَّنَا! افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ اَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ». (سوره اعراف آیه: ۸۹) وی گفت: آمین.

در این هنگام قدیانی، خطاب به من گفت: با آقای سخایی به اطاق اجرای احکام بروید تا حکمتان را به شما ابلاغ و اجرا کند با سخایی به دفترش رفته‌ام، وی دادنامه دیگری را که محکومیت (۴) سال و (۳) ماه حبس در آن آمده بود، خواند. گفتم: این بیدادنامه، غیر از آن است که در دست قدیانی بوده است که دوبار به من ابلاغ شده. سخایی گفت: حکم شما این است. گفتم: پس به من دهید تا دفاع و امضا کنم! نداده است و گفت: ما این حکم را درباره شما اجرا می‌کنیم ما مأموریم و معذوریم.

گفتم: چه خوب بود می‌گفتید: مأجورید، که قطعاً پیش خودتان و یا به دیگران می‌گویید. اگر شما مأمور و معذور و یا مأجورید، پس چرا هویدا و نصیری و دهها درباریان و مجلسیان و سران ارتش و... و حتی چندین نفر از روحانی که فقط چند بار به شاه دعا کرده، و عده‌ای از ساواکیها را که به آنها دست یافته‌اید اعدام کرده‌اید؟ آیا آنها مأمور و معذور و یا مأجور نبوده‌اند؟ و حتی بسیاری از بستگان و افراد خانواده آنها را که مأمور نبوده‌اند، اعدام و نابود و یا آواره کرده‌اید و اکنون حدود (۵) میلیون پناهنده و آواره ایرانی در کشورهای مختلف جهان کیانند؟

بنا به گفته شما همه نمرودیان و فرعونیان و یزیدیان زمانها، مأمور و معذور و یا مأجور بوده‌اند و در قیامت، صدر نشینان بهشت خواهند بود. و آفرینش دوزخ العیاذ الله تعالی بیهوده و خالی از سکنه خواهد بود.

آقای مأمور معذور و مأجور! خداوند متعال می‌فرماید: «تلك الأيام نداولها بين الناس» (سوره آل عمران: آیه: ۱۴).

و حضرت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام فرمود: «و اعلم ان الدهر یومان: یوم لك و یوم عليك» (نهج البلاغه، نامه‌های حضرت رقم ۷۲).

این فراز و نشیب برای فهم پیشینیان بوده، قطعاً برای شما هم خواهد بود، امروز روز فراز شما، و فردا به حول و قوه و قهر و غضب الهی روز نشیبتان خواهد بود و عذر مأمور بودن شما هرگز پذیرفته نخواهد شد، چنان که شما هم از پیشینیان خود پذیرفته‌اید.

خداوند قهار می‌فرماید: «أینها الناس انما یغیکم علی انفسکم متاع الحیاة الدنیا ثم الینا مرجعکم فینبئکم بما کنتم تعملون». (سوره یونس: آیه ۲۳).

هیچ قوم و ملتی از این سنت قطعی الهیه مستثنا نیستند تا شما باشید، و نسب دنیوی، در روز قیامت مطرح نیست تا به کار آید، زیرا به کلی منقطع است خداوند متعال می‌فرماید: «فاذا نفخ فی الصور فلا نساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون». (سوره مؤنون: آیه ۱۰۱).

فرزند دنیوی نوح پیامبر علیه السلام فرزند اخروی نوح بشمار نمی‌رود، عمومی دنیوی رسول خدا صلی الله علیه و آله همچون ابولهب، عمومی اخروی آن حضرت صلی الله علیه و آله نخواهد بود، پس نسبت‌های دنیوی در آخرت بکلی گسسته می‌شود، و گرنه کلید بهشت باید در دست پسر نوح و ابولهب عمومی رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، روایات متعددی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وارد شده است که ما بولادت و نسبت به حضرت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام هرگز افتخار نمی‌کنیم، بلکه به ولایت او افتخار می‌کنیم، از این رو ابولهب با وجود نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله «تبت پیدا ...» می‌گردد، و سلمان فارسی رضوان الله تعالی علیه با ولایت «سلمان منا اهل البیت» گردید، و روز قیامت سیادت بولایت است نه به ولادت، و نه به عمامه سیاه که از بدعت‌های هارون عباسی است خواهد بود، و گرنه هارون عباسی بدعت گذار باید صدر نشین بهشت باشد.

بنابر این آقای سخابی! شما نه به عذر مأمور بودن دل بیندید، و نه به نسبت و سیادت و عمامه سیاه که هرگز در قیامت به کار نیاید، ملاک سعادت، سیادت و نجات، همان ایمان، تقوا و ولایت خاندان رسالت علیهم السلام و صداقت است.

و گفتیم: آقای قدیانی، همراه اسکندری، دادیار دادگاه ویژه و حسین مهرنوش، نیروی عملیات دادگاه ویژه، حدود ساعت (۱۱) صبح دوشنبه (۱۳۸۴/۱۲/۱) به اطاق (۲) بازداشتگاه موقت بند ویژه اوین آمدند، و آقای قدیانی گفت: پرونده شما مربوط به قم است.

و من گفتم: پس چرا (۲۲) ماه مرا در اینجا با چنین شرائطی حبس کرده‌اید و اعلام جرم نکرده و در بازداشتگاه موقت نگه داشته‌اید؟ در حالی که طبق قانون اساسی کسی را بدون تفهیم اتهام نمی‌توان دستگیر نمود، و طبق آئین نامه زندان، نمی‌توان کسی را بیش از یک ماه در بازداشتگاه موقت نگه داشت! کدام اندیشمند آگاه به ماهیت این رژیم تردید دارد: که قانون اساسی و آیین نامه‌ها و مصوبات مجلس و مانند اینها یک ملعبه سیاسی است تا مجامع بین المللی و اندیشمندان جهان نگویند: کشور ایران، قانون و مقررات و مجلس و... ندارد.

و به آقای قدیانی گفتم: شما همه چیز دارید، تنها یک چیز ندارید، و آن صداقت است، و خشت اصل رژیم شما را معماری بی صداقت پایه گذاری کرد و تا ثریا بر کجی و بی صداقتی بالا می‌رود.

پس از یک ساعت توقف اهانت آمیز در سالن دادگاه ویژه، سخایی و یوسفیان مرا به زندان آوردند، و با اهانت و هتاکی، و گرفتن کتاب تفسیر کبیر البصائر و کتابهای دیگر شخصی، و حتی قرآن مجید و مفاتیح و مقداری از وسایل شخصی، مرا که در اطاق (۲) بازداشتگاه موقت بودم با هل دادن از اطاق بازداشتگاه پس از نهد و سی و یک روز حبس در آن، به بند ویژه روحانیت زندان اوین منتقل کردند.

آقای خامنه‌ای! آیا این است، اسلام ناب محمدی! آیا این است حکومت عدل علوی شما؟! آیا می‌خواهید چنین اسلام و حکومتی را به گستره زمین صادر کنید و هوای رهبری جهان را بر سر می‌پرورانی؟

حضرت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام فرمود: اگر دانه جویی را از دهان مورچه‌ای در قلمرو حکومت من از روی ظلم بگیرند، پسر ابی طالب مسئول آن است. و از خار پای زن کافره اظهار تأسف کرد و...

اگر حکومت شما اسلامی باشد، باید الگوی شما، حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة» (سوره احزاب: آیه ۲۱). و حکومت حضرت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در راستای حکومت رسول الله صلی الله علیه و آله باشد، این دو بزرگوار صلوات الله علیهما چند نفر از مخالفان سر سخت خود، و حتی اهانت کنندگان به آنان (علیهم السلام) را حبس، زندان، تبعید و از حقوق اولیه انسانی محروم و اموالشان را غارت و مصادره و... کرده‌اند؟!

و اگر غیر اسلامی باشد در بدترین شکلش بنظر خود شما باید رژیم صهیونیستی باشد که پیوسته در سطح جهانی دشنام، نفرین و لعنت بر آنان می‌فرستید، که باید به نظر شما از صفحه روزگار محو شود، باز هم گفتار و رفتار و کردار بسیار خشن شما با ملتی که شما را بر خود مسلط کرده قابل مقایسه با رژیم

صهیونیستی در برخورد با غیر ملت خود نیست، زیرا اگر شما بجای رژیم صهیونیستی بودید، کسی از ملت خود را باقی نمی‌گذاشتید! و برای این نوشتار ادله واضح روشن فروانی است که از جمله آنها روزنامه ایران دولتی شما، به شماره (۳۳۷۵) روز دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۴ ص ۵ تحت عنوان (رژیم صهیونیستی: برغوثی می‌تواند در زندان مصاحبه تلویزیونی داشته باشد) نوشته «به گزارش خبرگزاری فارسی به نقل از خبرگزاری فرانسه، سخنگوی سازمان زندانهای اسرائیل اعلام کرد: وزارت دفاع اسرائیل استثنائاً به مروان برغوثی (رهبر فهرست جنبش فتح) اجازه داده است تا در آستانه برگزاری انتخابات پارلمانی فلسطین، مصاحبه مطبوعاتی داشته باشد. این مصاحبه قرار است قبل از برگزاری انتخابات با شبکه‌های تلویزیونی (العریبه) و (الجزیره) انجام شود».

آقای خامنه‌ای: شما را به آن کسی که او را دوست یا بیشتر از همه دوست دارید! از اول پیروزی انقلاب تاکنون که مسئولتهای سنگین، نخست، رتبه سوم، سپس رتبه دوم و هم اکنون مسئولیت رتبه برتر این رژیم را بر عهده دارید، به چند نفر از مخالفان گوناگون خود در زندانها چنین اجازه‌ای را داده‌اید؟

من کار به شصت جلد تفسیر کبیر البصائر (تفسیر قرآن بی‌سابقه در جهان اسلام) و دو جلد توضیح المسائل و دهها جلد کتاب در علوم و فنون اسلامی چاپ شده و چاپ نشده خود را که به غارت برده‌اید ندارم، و از نظر سن، حدود هفتاد سال می‌باشم، مرا در این دستگیری چهارم حدود نهصد و چهل روز در بازداشتگاه موقت بند ویژه روحانیت زندان اوین در کنار کسانی بنام روحانی که اکثر آنها اصلاً طلبه و روحانی نبوده‌اند، ولی در رتبه اول و دوم و سوم اشرار، اراذل و اوباش و... با جرمهای غیر قابل ذکر بوده‌اند در سختترین شرایط و شکنجه روحی مداوم و اخیراً جسمی هم بیندم کشیده‌اید، از اول این دستگیری تا (۵۹۰) روز، اجازه یکبار ارتباط تلفنی با نزدیکترین افراد خانواده‌ام را به من نداده‌اید، در حالی که قاتل، زانی، لواط کار، مرتد، شرور و سارق و... به مجرد ورود به همین بازداشتگاه موقت بند ویژه روحانیت زندان اوین ارتباط تلفنی با افراد خانواده و دیگران بدون مانعی پیدا می‌کردند!

آیا این است اسلام ناب محمدی؟ و آیا این است حکومت عدل علوی شما؟؟؟

از دین مبین اسلام چه پدی دیده‌ای که با فریاد و اسلاما اینگونه تیشه به ریشه اسلام می‌زنی؟ آیا نمی‌شود یک ساعت از گرداب نازای «الملک عقیم» و لجن زار «حُبّ الشیء یعمی و یصم» خارج و صدای مردم جهان حتی مسلمانان را بشنوی که اگر این است اسلام ما اهل آن نیستیم؟ و خود و گروه زیادی از فریب خوردگان را از آن گرداب و لجن زار نجات دهی؟ مگر تا کی من و تو زنده خواهیم ماند؟

شما زندانهای ابوغریب و گوانتانامو را ملعبه سیاسی و وسیله تحمیق مردم بی‌خبر از پشت صحنه‌ها، و سرپوشی بر ستمها، بیدادگریها و جنایات فراگیر بر تمامی ملت ایران قرار داده، و به مراتب بدتر از ابوغریب و زشت‌تر از گوانتانامو به گستردگی کشور ایران را نمی‌بینی و نمی‌دانی؟ اگر نمی‌دانی که وای بر تو! و اگر می‌دانی که صدها وای بر تو! که پشه را فیل و فیل را پشه، کوه را کاه و کاه را کوه جلوه می‌دهی! مژه چشمت را نمی‌بینی ولی بیخ هر خال موی دیگران را عمیقتر از گودال (ماریاناس) عمیق‌ترین گودال دریایی در اقیانوس آرام، و خال مو را بزرگتر و بلندتر از کوه هیمالایا زیر نظر می‌گیری؟!!

و یا همانند بُز که از عورت همیشه مکشوفه خود غافل، ولی به هنگام پریدن گوسفند از جوی آب و کشف عورتش در آن هنگام، فریاد می‌زند دیدم، دیدم!!!

مسئول ابوغریب و گوانتانامو، غیر مسلمان است، شما که شعار اسلام ناب محمدی و حکومت عدل علوی و رهبریت جهان اسلام را سر می‌دهید چرا؟؟؟

شما که در صدد اسقاط رژیم سابق و هوای فرمانروایی را بر سر خود می‌پروراندید، آیا رژیم شاه این گونه با شما برخورد کرده است در حالی که «و الله و تالله و بالله» بنده هیچگاه چه در رژیم سابق و چه در رژیم شما، اجازه خیال فرمانروایی را بخود نداده و نمی‌دهم و هدف من جز بیان حقایق دین، و بیش و آگاهی مردم به آن و اعانت به مظلومان و خصم بر بیدادگران و اصلاح جامعه ندارم، در این (۲۷) سال نکبت بار، با من و مراجع بزرگ تقلید و علمای راستین و اندیشمندان آزاده برخورد کرده و می‌کنید؟ گویا سند ابدیت رژیم خود در دنیا را از خداوند سبحان دریافت کرده‌اید که هرگز فناپی برای تو از آن نیست؟

چرا؟ و چرا؟ و صدها چراها؟؟؟ و بفرموده مولای متقیان امیر مؤمنان امام علی علیه السلام: «أین الفراعنة و أیناء الفراعنة». (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱ فیض).

اگر فشارها، سرکوبگری‌ها، زندان‌ها، تبعیدها، اسارت‌ها، اعدام‌ها، دغلبازی‌ها، ترفندها و فریبکاریهای یک فرمانروا، نشانگر اقتدار و عدالت او باشد و نه انحطاط و جنایت او، چرا فشارها و فریبکاریهای نمورودها، فرعونها، قارونها، شدادها، هامانها، غاصبان خلافت، بنی امیه و رهروان آنها، حجاج‌ها، منصور دوانقیها، هارون رشیدها، و متوکل عباسی‌ها و هزاران هزار مانند اینها بر رسولان الهی و جانشینان بحق آنان صلوات الله علیهم اجمعین و بر علمای راستین و اندیشمندان حق‌گو، دلیل بر اقتدار و عدالت ان بیدادگران تاریخ بشریت نباشد که خود را حق و زشت‌ترین جنایات خود را عدالت بز می‌شمردند؟؟؟

آقای خامنه‌ای! طبق ادله اربعه اجتهاد: (شیعه)، مصوبه که همان استبداد مطلق «الحکم لمن غلب» است نیست که هر چه یک مجتهد جامع الشرایط می‌گوید همان حق باشد، چه رسد به یک فرمانروا، که حق تابع نظر فرد زمامدار باشد، نه رهبر تابع حق، زیرا طبع هر فرمانروا بدون هیچ استثنائی نافرمانی از فرامین الهی است مگر آنکه یکی از چهار امر: عصمت، فطرت، دیانت، و بینش اصولی افراد جامعه او را مهار کند.

و حضرت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در تکذیب مصوبه فرمود: «قالوا: ألا ان فی الحق أن تأخذہ و فی الحق أن تترکہ (ان تمنعه فاصبر مغموماً اومت متأسفاً). (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱، و ۲۰۸ فیض).

آقای خامنه‌ای! کمی در قضیه ذوالشهادتین و جریان زره حضرت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام بیندیش، یا اگر به فرض محال در این زمان و انفسای سرکوبگری حق گویان بنام حق، فرد حق‌گوی و آزاده‌ای را (از دیو و در ملولم و انسایم آرزوست) پیدا کردی، برای شما بازگو کند.

براستی اگر تظاهرات پی در پی و اعتصابات طولانی سراسری امسال (۱۳۸۵) در فرانسه که بدون سرکوبگری با بر آوردن خواسته‌های ملت پایان یافت، در ایران برپا می‌شد، چقدر کشته، مجروح معلول، دستگیر، محبوس، اعدام و سر به نیست می‌شدند؟ و آیا در کمتر از دو روز همه، برای همیشه خفه و سرکوب و... نمی‌شدند؟ که نمونه اش کوی دانشگاه خوزستان و استان سیستان و بلوچستان و تبریز و کردستان و تعدادی از استانهای دیگر در این چند سال اخیر می‌باشد؟

شاه با یک جمله، به سلطنت خود پایان داد و از آن دست کشید که: «وقتی ملت ایران بر اثر تحریکات بیگانگان مرا نمی‌خواهند، می‌روم» ولی شما می‌گویید: اگر روزی تمام ملت ایران، جز چند نفر از خودمان بگویند: ما شما را نمی‌خواهیم، خواهید گفت: ملت ایران همه بمیرند و ما چند نفر، خود زنده‌ایم، زیرا وقتی ما نباشیم، دنیا نباشد، و چنانچه دوزان امر بین ما و شما چند نفر معلوم، و تمام ملت ایران، و یا حتی همه مردم جهان شود، خواهید گفت: ما چند نفر بمانیم، همه ملت ایران و مردم جهان بمیرند! آیا اگر شما توانایی ابر قدرتهای فعلی جهان را می‌داشتید دریایی از خون انسانهای بی‌گناه پدید نمی‌آوردید؟؟؟

آقای خامنه‌ای! چه کسی بدون سرسپردگی به شما، می‌تواند در این مملکت غارت شده و به غارت رفته، برای دستیابی به حقوق اولیه خود نفسی بکشد که پس از چند روزی نفسش گرفته نشود و از هستی ساقط نگردد؟

آیا این است اسلام ناب محمدی؟ و حکومت عدل علوی شما؟ و آزادی در دین مبین اسلام برای رشد و شکوفایی استعداد های افراد و بینش و آگاهی و شناخت اصولی جامعه به مسائل اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و جهانی اسلام؟؟؟ سخنان حق فراوان، ولی گوش شنوا کوا  
اینک لازم می‌دانم، اشاره‌ای بسیار کوتاه به بعضی از دستاوردهای (۲۷) ساله شما، طبق آمار منتشره از سوی مسئولان مربوط در رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های دولتی و کثیرالانتشار داشته باشم تا درس عبرت و بسیار آموزنده‌ای برای ملت ایران و ما مردم جهان باشد:

۱- بیش از ۱۲۰ میلیون پرونده سالانه در ایران:

آقای شاهرودی رئیس قوه قضائیه در خرداد ۱۳۸۳ گفت: «ما هر سال ۶ میلیون پرونده جدید در دستگاه قضایی داریم که در دنیا بی‌سابقه است» یعنی ملت ایران، جنایتکارترین مردم جهان، و در ملکیت ایران بیشترین جنایت روی می‌دهد.

روزنامه اطلاعات شماره ۲۳۷۳۹ شنبه ۸ مهر ۱۳۸۵ می‌نویسد «قربانعلی درکی نجف آبادی دادستان کل کشور در مراسم تودیع و معارفه دادستان قم گفت: در سال گذشته ۳ میلیون و ۱۸۰ هزار پرونده در دادرهای کشور مورد بررسی قرار گرفت، این میزان (۵۰) درصد پرونده‌های ورودی را تشکیل می‌دهد»  
یعنی تعداد ورودی پرونده‌ها در سال (۱۳۸۴) تنها در دادرهای کشور (۶) میلیون و (۳۶۰) هزار بوده است. و این رقم غیر از پرونده‌های ورودی در شوراهای حل اختلاف و پرونده‌های دادگاه ویژه و نیروهای مسلح سپاه و ارتش و انتظامی است.

روزنامه شرق شماره (۷۸۳) چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۸۵ ص ۲ آمار ریز پرونده‌های رسیدگی شده در سال (۱۳۸۴) را از آقای کریمی راد وزیر دادگستری و سخنگوی قوه قضائیه نقل نموده: که «مجموع پرونده‌های رسیدگی شده در دادگاهها (بدون پرونده‌های رسیدگی شده در دادگاه ویژه روحانیت و نیروهای مسلح سپاه و ارتش و انتظامی) هفت میلیون و چهار صد و هفتاد هزار و ششصد و شصت و پنج پرونده بوده است ، و پرونده‌های رسیدگی شده در شوراهای حل اختلاف نیز در سال (۱۳۸۴) چهار میلیون بوده است که مجموع این دو (۶۶۵ / ۴۷۰ / ۱۱) پرونده است».

که اگر پرونده‌های دادگاه ویژه و نیروهای مسلح بر آن اضافه شود، بیش از (۱۲) میلیون، خواهد بود. آیا با این تعداد پرونده سالانه در یک کشور با جمعیت هفتاد میلیون نفر، کسی بدون پرونده می‌ماند؟ آیا برای

کسی اعصاب آرامش و امنیت و ... می ماند؟؟؟ از این رو تمام جمعیت ایران در تمام ابعاد زندگی ناآرام، مضطرب، افسرده و عصبانی، و.. و پیوند خانواده ها از هم گسسته و هر روز جرائم، جنایات تصادفات و امراض گوناگون و... رو به افزایش است.

روزنامه اطلاعات شماره (۲۳۷۲۶) پنجشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۵ ص ۱۳ نوشته: «آیه الله شاهرودی در سخنرانی گشایش دومین همایش سالانه دادستانهای سراسر کشور گفت رسیدگی به (۸) میلیون پرونده در یک سال با کشوری با (۷۰) میلیون جمعیت بسیار زیاد است.

البته این رقم غیر از رقم تعداد بیش از (۶) میلیون پرونده در شوراهای حل اختلاف و دادگاه ویژه و نیروهای مسلح است، یعنی کشور ایران، سالانه چهارده میلیون پرونده دارد. برای بدست آوردن افزایش پرونده های سالانه در ایران، به روزنامه مأوی وابسته به دستگاه قضایی سال چهارم - شماره ۵۳۵ یکشنبه اردیبهشت ۱۳۸۵ ص ۸ مراجعه شود. یعنی بالاترین رقم جنایات جهان در ایران که در زمان انوشیروان (به نظر شما غیر عادل) چندین سال، طبق نقل تواریخ متعدد، یک پرونده نداشته است چرا؟ آیا آب از سر چشمه گل آلود نیست؟ بخوان مفصل از این مجمل. «والناس علی دین ملوکهم».

آیا می خواهید، جنایات و جرائم خود را به جهان صادر، و همه مردم بر گستره زمین را به تبعات آنها مبتلا سازید؟؟؟؟!

۲- ورودی و خروجی سالانه بیش از ششصد هزار زندانی و افزایش جنایات در ایران:

روزنامه حمایت - وابسته به سازمان زندانها - شماره (۹۰۷) چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۸۵ ص ۵.

تعداد ورودی و خروجی سالانه زندانی از زندانها را ششصد هزار نفر نوشته است.

و همین روزنامه شماره (۹۷۲) دوشنبه اول آبان ۱۳۸۵ ص اول نوشته:

«آیه الله شاهرودی در بخشنامه به واحدهای قضایی و داد سراهای سراسر کشور نوشته: متأسفانه بر اساس آمار مزبور، نرخ ورودی ها (۸) درصد افزایش یافته است».

روزنامه ایران - شماره (۳۴۲۶) یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ ص ۱۳ عواملی که باعث ارتکاب جرائم و افزایش جنایات در جامعه می شود را از زبان دکتر حمیدیان مدیر کل هماهنگی امور استانهای قوه قضاییه نقل کرده است که براساسی خواندنی و دانستن آن بر هر ایرانی ضروری است. و روزنامه شرق - شماره (۷۸۰) یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۸۵ ص ۵ وضعیت شرم آور زندانهای کشور ایران در سال (۱۳۸۴) را تفصیلاً بازگو کرده است که آگاهی به آن بر هر انسان اندیشمند لازم است.

و افزایش جرائم و جنایات در ایران بیداد می کند. به روزنامه حمایت - وابسته به سازمان زندانها - شماره ۲۵۹۹۰ آبان ۱۳۸۵ ص ۱۴ و روزنامه ایران - شماره (۳۴۸۵) سه شنبه ۹ آبان ۱۳۸۵ ص ۱۳) و تعداد جرائم و جنایات گوناگون در کشور ایران به مدت ۷ ماه به روزنامه دولتی اطلاعات - شماره (۲۳۷۶۸) سه شنبه ۱۶ آبان ۱۳۸۵ ص ۱۳ و روزنامه قدس - شماره (۵۴۲۳) دوشنبه ۲۲ آبان ۱۳۸۵ ص ۹) و آثار بد زندان در خانواده های زندانیان و جامعه، به روزنامه حمایت - شماره (۷۸۹) شنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۵ ص ۸) رجوع کنید. روزنامه ایران - شماره (۳۴۲۶) یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ ص ۱۳ نوشته: «دکتر حمیدیان مدیرکل هماهنگی امور استانهای قوه قضاییه گفت: زندان نمی تواند مفسد اجتماعی را حل کند»

آقای خامنه ای: زندان زمان شاه چقدر در شما اثر مثبت داشت؟

روزنامه حمایت - شماره (۸۹۲) یکشنبه ۲۵ تیر ۱۳۸۵ ص ۵ و ۸ نوشته:

«۱۶۶ هزار زندانی در ایران محبوس هستند» و «زندان هرگز سازنده که نیست، مخرب افکار و خانواده و جامعه است» مسؤل آن در ایران کیست؟

آیا این است اسلام ناب محمدی؟ و آیا این است حکومت عدل علوی شما؟؟؟ که می خواهید با صدور آن، همه مردم جهان را به بند بکشانید، و افکار را تخریب و خانواده ها و جوامع بشری را به نابودی سوق دهید و افساد حرث و نسل نمایید؟

آیا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ده سال حکومت خود با آن همه دشمنان و مخالفان و مشرکان و کافران و... از یک سو، و منافقان (کافران نقابدار) از درون از سوی دیگر، زندان و زندانی از بیرون داشت؟ و آیا حضرت امیرالمؤمنان امام علی (علیه السلام) در پنج سال حکومت خود با آن همه دشمنان و... از بیرون و درون نیز، زندان و زندانی داشت؟

عمر بن الخطاب نخستین کسی است که در اسلام، در زمان خلافتش، خانه صفوان امین را در مکه به چهارده هزار دینار خریده و آن را تبدیل به زندان و افرادی را در آن حبس نمود، و در زمان عثمان، ادامه یافت، و حضرت مولای متقیان امام علی (علیه السلام) در آغاز خلافتش آن را تخریب نمود.

زندان، منطق بیداد گران همانند نمرودها، فرعونها، شدادها و قارونها و عمرها و معاویه ها و یزیدها و منصور دوانقیها و هارون عباسی ها و.. است.

آیا می خواهید با انتخاب راه این بیدادگران، این بیماری های فکری و فساد خانواده ها و جامعه ایران بلا زده آفت دیده، غارت شده، و به غارت رفته و ..... را به دنیا صادر کنید؟؟؟

### ۳- بیش از ۱۵ میلیون روانی در ایران:

روزنامه ایران - شماره (۳۴۷۰) شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۵ ص ۴ نوشته:

«عبدالرضا کردی استاد دانشگاه تهران گفت: بر اساس اعلام رسمی و گزارش دفتر سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: هم اکنون ۱۵ میلیون نفر در ایران درگیر مسائل روانی هستند و نباید نسبت به این آمار بی تفاوت بود.

روزنامه همشهری - شماره (۴۰۸۹) چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۸۵ ص ۱۲ نوشته:

«طبق آمار روانپزشکان دانشگاه تهران، یک چهارم جمعیت ایران بیماری روانی دارند».

روزنامه اطلاعات شماره (۲۳۷۵۵) پنجشنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۵ ص ۵ نوشته:

«دکتر خدایی رئیس مرکز روان پزشکی رازی گفت: (۲۰ تا ۲۵) درصد افراد جامعه مبتلا به مسائل روانی هستند» چرا؟ و منشأ آن چیست؟ و چگونه باید آن را درمان اصولی نمود؟ آیا شما می‌خواهید با صدور انقلاب خود، تمام مردم جهان، روانی گردند تا بر روانی‌ها حکومت جهانی تشکیل دهید؟؟؟

### ۴- بیش از چهارده میلیون فقیر در ایران:

روزنامه حمایت - شماره (۹۶۷) سه شنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۵ ص ۱۵ - آمار حاشیه نشینان را (۶) میلیون نفر و جیره بگیران را (۹) میلیون، و زیر خط فقر را (۱۰) میلیون و چهار میلیون نفر را که از هیچ حمایتی برخوردار نیستند ذکر کرده است.

همشهری - شماره (۴۰۸۷) دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۸۵ ص ۴ نوشته:

«بی‌خانمانان باید خانه‌دار شدن را در خواب ببینند».

روزنامه ایران شماره (۳۴۲۶) یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ ص ۱۳، نوشته:

«دکتر حمیدیان مدیر کل هماهنگی امور استانهای قوه قضائیه فقر را یکی از مفاصلد فراگیر جامعه برشمرد».

همشهری شماره (۳۹۹۵) شنبه ۶ خرداد ۱۳۸۵ ص ۲ نوشته:

«علی شمعخانی وزیر دفاع سابق در حاشیه همایش همبستگی ملی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: پتانسیل‌های قبلی و ناشی از چهار فاکتور: تنگدستی، تبعیض، تحقیر، و تحریک در حال حاضر، مناطق مرزی و امنیتی را به جایی رسانده که حتی تحریک هم نیاز ندارد، و شکاف ایجاد شده با هر چیزی قابل تحریک است».

«لشکر کشی رژیم به استان سیستان و بلوچستان برای سرکوبی گرسنگان بنام اشرار به گفته عبدالمحمد رونوی نژاد استاندار کرمان» به روزنامه ایران - شماره (۳۴۷۵) پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ ص ۳ مراجعه شود.

و همین روزنامه شماره (۳۴۷۸) یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ ص ۳ نوشته:

«عبدالمحمد رونوی نژاد استاندار کرمان گفت: (۶۰٪) ناآمنی‌ها به مشکلات معیشتی، فرهنگی و فقر در این استان برمی‌گردد».

حل این مشکلات و صدها مشکلات دیگر در سراسر کشور پهناور ایران با کیست؟

۵- بیش از (۶) میلیون جوان بیکار در ایران:

روزنامه ایران - شماره (۳۴۲۶) یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ ص ۱۳ می‌نویسد: «دکتر حمیدیان مدیر کل هماهنگی امور استانی قوه قضائیه یکی از عوامل مفاسد فراگیر جامعه را وجود بیش از (۶) میلیون جوان بیکار در ایران دانسته است».

روزنامه حمایت - شماره (۸۵۶) سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۳۸۵ ص ۱۴ نوشته:

«سردار علی اصغر جعفری معاون آگاهی ناجا با اعلام وقوع روزانه (۶/۵) فقره قتل در کشور، در حالی که میزان وقوع قتل در کشورهای غربی (۳۰) به یکصد هزار نفر جمعیت است، که این میزان به (۳/۵) فقره قتل در هر یکصد هزار نفر می‌رسد.

وی با ابراز نگرانی از رخداد قتل‌های خانوادگی اظهار کرده از مجموع جرائم وقوعی در سال گذشته با (۲۶) درصد قتل خانوادگی در کشور مواجه شدیم. وی گفت: (۴۰) درصد علل قتل‌های وقوعی، ریشه‌های فرهنگی داشته است. وقوع قتل‌های خانوادگی دو برابر کشورهای غربی است، بیکاری در کنار تورم و شکست تولید داخلی و افزایش واردات ... آیا می‌خواهید با صدور انقلاب، بیکاری و قتل‌های خانوادگی و... را در جهان گسترش دهید؟!

۶- بیش از چهار میلیون معتاد در ایران و هزینه روزانه آن:

روزنامه حمایت - وابسته به سازمان زندانها - شماره ۸۶۲ شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۵ ص ۱۵ نوشته:

«سه بار تصمیم‌گیری به مدت (۲۷) سال در شورای مصلحت نظام در خصوص بحث مبارزه با مواد مخدر، نه تنها وضع بهتر نشده که بدتر و افزایش یافته، و بیش از چهار میلیون معتاد در ایران وجود دارد»

چرا نتوانسته‌اند راه حلی نیابند؟؟؟ باید اندیشمندان آزاده غیر معتاد و... با دیده ژرف نگری در رفع این بلای انسانیت برانداز خانمان سوز بیندیشند.

روزنامه شرق - شماره (۷۹۴) سه شنبه ۶ تیرماه ۱۳۸۵ ص ۲۷ نوشته: «آمار رسمی معتادان در ایران، پس از پیروزی انقلاب تاکنون رو به افزایش است» چرا؟ آیا خرما خورده می‌تواند، کسی را از خوردن خرما باز دارد؟؟؟

روزنامه ایران - شماره (۳۴۲۶) یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ ص ۱۳ می‌نویسد: «دکتر حمیدیان مدیر کل هماهنگی امور استانهای قوه قضائیه گفت: سالانه سیصد هزار جوان بر حلقه معتادان کشور اضافه می‌شود».

روزنامه حمایت - شماره (۸۵۷) چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۵ ص ۱ نوشته: «آیه الله هاشمی شاهرودی گفته: مواد مخدر و معتاد در ایران رو به افزایش است»

و همین روزنامه - شماره (۸۷۴) شنبه ۳ تیر ۱۳۸۵ ص ۱۵ می‌نویسد: «دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر، قدا حسین مالکی، صبح دیروز در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران گفت: ایران بیشترین معتاد را دارد». و در صفحه ۱ و ۳ نوشته: «بیشترین معتاد جهان در ایران» و همین روزنامه شماره (۹۲۹) چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۸۵ ص ۳ و ۱۴ می‌نویسد: «هر دو ساعت یک معتاد در کشور می‌میرد»

و همین روزنامه - شماره (۸۵۸) پنجشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۸۵ ص ۱ نوشته: «هشدار آیه الله هاشمی شاهرودی در دیدار با مسئولان بهزیستی: مشکل اعتیاد با دستگیری و زندان حل نمی‌شود، معتاد فضای زندان را هم آلوده می‌کند».

روزنامه اطلاعات - شماره (۲۳۷۲۲) یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۸۵ ص ۱۳ می‌نویسد: «یک میلیارد دلار، سالانه برای مبارزه با مواد مخدر هزینه می‌شود».

روزنامه همشهری - شماره (۴۰۳۴) شنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۸۵ ص ۱ نوشته: «سالانه (۱۱/۷) میلیارد دلار، هزینه صرف مواد مخدر در ایران است».

روزنامه اطلاعات - شماره (۲۳۷۷۸) یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۵ ص ۱۳ می‌نویسد: «روزانه (۱۲) میلیارد تومان صرف مواد مخدر در ایران می‌شود».

روزنامه همشهری - شماره (۳۹۸۸) پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ ص ۶ می‌نویسد: «خطر مواد مخدر کمتر از انرژی هسته‌ای نیست».

روزنامه اطلاعات - شماره (۲۳۷۲۵) چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۸۵ ص ۹ نوشته: «ضرر مواد مخدر برای ملت و مملکت ایران کمتر از جنگ نیست».

روزنامه همشهری - شماره (۴۱۳۳) چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۵ ص ۶ نوشته: «سیصد تن مواد مخدر به مدت (۹) ماه در ایران کشف شد».

این نوشتار بسیار کوتاه درباره اعتیاد و معتاد و مواد مخدر و تأثیر ویرانگر انسانی، اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی و... آن نشان دهنده چیست؟؟؟

تمام متخصصان در موضوع اعتیاد، معتاد و مواد مخدر، اتفاق نظر دارند که نخستین تأثیر مواد مخدر در انسان آن است که: إرادۀ، غیرت و اعتقاد را از او می‌گیرد، سپس یک مرده متحرک و ویرانگر زندگی انسانی در ابعاد گوناگون بر جامعه تحمیل می‌کند. آیا می‌خواهید با صدور انقلاب چنین انسانی را بر جهان تحمیل کنید؟؟؟!!

۷- پنج میلیون آواره و پناهنده و فرار (۹۲/۵٪) نخبگان ایرانی در جهان:

طبق آمار منتشره از سوی مسئولان مربوطه، حدود (۵) میلیون پناهنده و آواره ایرانی در کشورهای مختلف جهان بسر می‌برند، و (۹۲/۵) درصد از مغزهای متفکر و نخبگان از کشور گریختند، و بیش از یک میلیون دختر و پسر نوجوان و جوانان زن و مرد از کانون خانواده‌ها و کاشانه های خود می‌گریزند، و این در حالی است که پس از پیروزی انقلاب نکبت بار تاکنون سیاست‌بازان دغلباز برای تحمیل مردم و سرپوش گذاشتن بر ویرانگری ایران در ابعاد گوناگون، بی‌وقفه برای آوارگان فلسطینی اشک تمساح می‌ریزند!

ذکر اسناد در اینجا نشاید و ما تنها به ذکر بعضی از اسناد در اینجا اجمالاً بسنده می‌کنیم:

روزنامه اطلاعات - شماره (۲۳۷۶۲) سه شنبه ۹ آبان ۱۳۸۵ ص ۱۰ نوشته: «ایران رتبه اول فرار نخبگان از آن در جهان را دارد».

روزنامه ایران - شماره (۳۴۴۴) دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵ ص ۱۶ می‌نویسد: «طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی: سالانه بیش از یک میلیون نوجوان (۱۳ تا ۱۹) ساله از خانه فرار می‌کنند که ۷۱٪ از این تعداد دختر و ۲۶٪ پسر هستند. همچنین بر اساس آماری که چندی پیش از سوی مدیر کل سیاستگذاری و برنامه‌ریزی امور حمایتی و امدادی رفاه و تأمین اجتماعی اعلام شد: پدیده فرار از منزل طی سالهای اخیر در ایران رشد فزاینده‌ای داشته ...»

علل و عوامل فرار کودکان و نوجوانان دختر و پسر و زنان از خانه‌ها و کشور ایران به دیگر کشورهای جهان چیست؟ چرا جوانان تربیت شده در رژیم گذشته انقلاب کردند و جبهه رفتند و شهید شدند و...

ولی جوانان تربیت شده در این رژیم از خانه‌ها و کشور می‌گریزند و یا در کشور افساد حرت و نسل می‌کنند و معتاد می‌شوند و ...؟؟؟

در پاسخ کوتاه به روزنامه حمایت - وابسته به سازمان زندانها - شماره (۹۳۶) پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۵ ص ۶ و اطلاعات - شماره (۲۳۶۹۲) چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۸۵ ص ۲ و ۳ و ۱۸ مراجعه کنید.  
روزنامه شرق - شماره (۷۸۵) شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۵ ص ۲۷ نوشته: «ایران در گروه بندی قاچاق انسان به کشورهای جهان در ردیف سوم است که زنان و دختران قاچاقی برای فحشا و فساد به پاکستان، ترکیه و اروپا فرستاده می‌شوند، در حال حاضر در ایران بیش از (۳۰۰) هزار دختر فراری وجود دارد. و هر روز (۵۴) دختر و زن ایرانی بین سنین (۱۶ تا ۲۵) سال در خیابانهای کراچی (پاکستان) به فروش می‌رسند، آمار زنانی که در ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند بیش از هشت میلیون نفر است.»

آیا می‌خواهید با این آمار و ارقام نبایدها و آفت بایدها، الگوی حکومت اسلامی در جهان شوید؟ و جمهوری اسلامی خود را به گستره زمین صادر نمایید؟ آیا منظور از صدور انقلاب، ارسال زنان و دختران و پسران نوجوان برای فحشا و فساد و ... به کشورهای جهان بوده و هست؟؟؟  
۸- افزایش سرسام آور طلاق و گسسته شدن پیوند زندگی انسانی در ایران:

روزنامه همشهری - شماره (۳۹۹۲) سه شنبه ۲ خرداد ۱۳۸۵ ص ۶ در رشد طلاق در (۲۰) سال گذشته در تهران، تحت عنوان ( رکورد طلاق در تهران شکسته شد) می‌نویسد: «مدیر کل امور اجتماعی استانداری تهران، ابراهیم رضوانی، با اشاره به اینکه سال گذشته حدود یک میلیون نفر در استان تهران، مستقیم و غیر مستقیم از واقعه طلاق آسیب دیده‌اند گفت: با این شرایط (۱/۵) درصد سرانه جمعیت کشور در استان تهران از این امر آسیب دیده‌اند. وی با اشاره به اینکه تخریبهای روانی ناشی از طلاق از تخریبهای ناشی از زمین لرزه بیشتر است، گفت: سال (۱۳۸۴) (۱۱۸) هزار و (۵۵۲) واقعه ازدواج و (۲۲) هزار و (۴۹۳) واقعه طلاق در استان تهران رخ داد، به طوری که در سال گذشته روزانه حدود (۸۵) طلاق در استان (تهران) ثبت شده است...»

روزنامه ایران - شماره (۳۴۴۴) دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵ ص ۱۶ نوشته: «بر اساس آماری که چندی پیش از سوی مدیر کل سیاستگذاری و برنامه ریزی امور حمایتی و امدادی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اعلام شد: «حکایت از افزایش نرخ رشد طلاق نسبت به ازدواج دارد.»

روزنامه حمایت - شماره (۸۷۳) اول تیر ۱۳۸۵ ص ۳ نوشته: «معاون قضائی دادگستری استان مرکزی گفت: «آمار طلاق در جامعه نگران کننده است».

به آمار طلاق در استان مرکزی، تهران و ایران به همین روزنامه - وابسته به سازمان زندانهای کشور پهناور ایران - شماره (۹۱۲) چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۸۵ ص ۱۵ و شماره (۹۵۴) شنبه ۸ مهر ص ۱۵ و شماره (۹۴۶) چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۸۵ ص ۱۵ و شماره (۹۶۹) پنجشنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۵ ص ۹ مراجعه فرمائید. و دیگر مفاسد اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، انسانی، فردی و اجتماعی و مشکلات و نابسامانیهای فراگیر در ابعاد گوناگون که ذکر همه آنها با اسناد و مدارک از خود مسئولان مربوطه در یک نامه هر چند طولانی باشد امکان ندارد مثوی هفتاد من کاغذ شود و نیاز به نوشتن چندین جلد کتاب دارد.

در اینجا این سوال برای همه انسانهایی که کمترین فکر و اندیشه دارند، چه رسد به اندیشمندان آزاده که خود پاسخگوی آن، گرچه برای خود، مطرح است که علل و عوامل این گسسته شدن پیوند زندگی انسانی در یک کشور بنام اسلامی پس از پیروزی انقلاب تاکنون چیست و مسئول آن کیست؟ بدون تردید دست آورد (۲۷) سال، پس از پیروزی انقلاب ننگین شما در یک جمله خلاصه می‌شود: «رشد فزاینده ناپایدها و افت بی‌شمار پایدها».

تا کسی می‌توان سر را زیر برف فرو برد، و این همه جنایات، جرائم، ظلمها، ستمها حق کشی‌ها، نابسامانیها، مفاسد اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی، و مشکلات فردی و اجتماعی و... را نادیده گرفت؟! گناه سکوت در برابر گناهان فراگیر به مراتب سنگین‌تر از خود گناهان کبیره است، زیرا سکوت، از یک سو ارتکاب گناه را برای مرتکب آن مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر باعث تجری و ارتکاب گناه بیشتر و سنگین‌تر گناهکار می‌گردد، و ثالثاً: کسانی که زمینه ارتکاب گناه در آنها فراهم است را فعلیت می‌بخشد، و رابعاً: خفتگان را نیز بیدار، و زمینه ارتکاب گناه را در آنها زنده می‌کند، و دیگر آثار زشت سکوت کسانی که باید حقایق دین مبین اسلام را طبق تعهد الهی: «و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الكتاب لتبیتنه للناس و لا تکتمونه» (سوره آل عمران، آیه ۱۸۷) برای افراد و مردم جهان بازگو نمایند.

آقای خامنه‌ای! قلب مریض، پر تپش و ناسالم در یک بدن، باعث ناهمگونی، درد، استرس، اضطراب روح و ناآرامی تمام اعضای جسم می‌گردد، چنانچه سر چشمه گل آلود سبب آلودگی‌های تمام نهرها، جویها، و لوله‌های منشعب از آن می‌شود، پادشاه، رهبر، فرمانروا و زمامدار یک کشور، و مسئول معاش و اقتصاد و عدالت و امنیت یک جامعه همانند قلبی است که اگر مریض، ناسالم و غیر متعادل و ناآگاه باشد، موجب

ناآرامی و اضطراب و ناامنی و... افراد جامعه می‌گردد، باید بجای قطع اعضا، قلب سالم را جایگزین کرد، چنانچه باید بجای تصفیه آبهای گل آلود سرچشمه را صاف و زلال نمود، این قلب سالم است که می‌تواند خونها را پمپاژ و به تمام رگهای یک بدن بقدر نیاز برساند، اگر قلب مریض، ناتوان، غیر متعادل باشد نمی‌تواند خونها را به قدر نیاز به رگهای مختلف بدن برساند، که در نتیجه تمام اعضای بدن بر اثر تشنج فلج می‌گردند، یکی از بی‌خونی، و دیگری از پرخونی و...

چرا تمام ملت ایران و همه مردم جهان، همچون سرنشینان یک کشتی گرفتار در میان امواج طوفان دریا، در این (۲۷) سال پس از پیروزی انقلاب تاکنون در اضطراب، متشنج، ناآرام، وحشت زده بسر می‌برند؟ زیرا ناخدای کشتی ناآگاه از ناخدایی، غیر متعادل، ناتوان و ناموزون است.

آیا هنوز هم تردید دارید که با چنین عملکرد (۲۷) ساله خود صدق و حقیقت گفته آن اندیشمند آزاده: «اسلام در کشورهای غربی و اروپایی، و مسلمان در ایران است» را ثابت کرده‌اید؟! نامه را با کلام خداوند متعال پایان می‌برم: «و اذ قالت أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَدِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ». (سوره اعراف، آیه ۱۶۴).

آقای خامنه‌ای! و الله و تالله و بالله! روز قیامت، نسبت و سیادت دنیا بدون تقوا به کار نیاید زیرا: «فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون». (سوره مؤمنون) و الا پسر نوح و ابولهب و صدها مانند اینها باید صدر نشین بهشت باشند.

بنده هنوز هم نومید و مأیوس نیستم که جنابعالی با چند ساعت اندیشه بدون مشورت با بله قربان گویان هزار چهره، بخود آیی، و برای سعادت خودت، خود را بشکنی تا بت شکن بشمار آیی، زیرا هر خود شکنی، بت شکن، بشمار می‌رود، ولی هر بت شکن، همچون خالد بن ولید، خودشکن نخواهد بود، و این انتصابات (انتخابات دروغین) را کنار نهی و از مراجع تقلید راستین غیر وابسته به این رژیم، و مجامع بین المللی و اندیشمندان آزاده جهان و ایران مصرانه بخواه تا با نظارت کامل آنها و حفظ نظم و امنیت، ملت ایران به باد رفته در این (۲۷) سال نکبت بار، با آزادی تمام، حکومت دلخواه مظلوم خود را انتخاب کنند، تا هم خود، و هم ملت ایران را از آتش فتنه فراگیر جهان سوز نجات دهی.

والسلام علی من اتبع الهدی.

چهاردهم ذیقعد ۱۴۲۷ هجری قمری = ۱۳۸۵/۹/۱۴ در نهد و پنجاهمین روز دستگیری و حبس در زندان اوین تهران. یعسوب الدین رستگار جویباری.